

کد کنترل

362

A



362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمکن) - سال ۱۴۰۰

دفترچه شماره (۱)

صبح جمعه

۹۹/۱۲/۱۵



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.
امام خمینی (ره)

رشته زبان و ادبیات عربی - (کد ۲۱۰)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: - ترجمه و تعریب متون - صرف و نحو - علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض) - تاریخ ادبیات عربی - درک و فهم متون ادبی (قدیم و جدید)	۱۰۰	۱	۱۰۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخ نامه ام را تأیید می نمایم.

امضا:

■ عین الأسباب والأدلة في الجواب عن الترجمة أو التعریف أو المفهوم (١٠-١)

- ١- عین الصحيح:

- ١) « و زنوا بالقسطاس المستقيم»: و با ترازوی سالم وزن کنید!
- ٢) « الشّعراَء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ»: گمراهان از شاعران تعییت می کنند!
- ٣) « أَزْلَفَتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَقْبِينَ»: بهشت برای تقواپیشگان آورده می شود!
- ٤) « إِنَّمَا لَا يَخَافُ لَدِيَ الْمَرْسُلُونَ»: قطعاً نزد من فرستادگان نمی هراسند!

- ٢-

- « إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَهُ نَحْنُ عِبَادُهُ الْمُسْكَبِرُونَ فِي أَنفُسِهِمْ بِأَوْلَائِهِ الْمُسْتَضْعَفُونَ فِي أَعْيُنِهِمْ!»: الله سبحانه و تعالى ...
- ١) بندگان خود را که از درون مستکبر شده‌اند، بوسیله دوستان خود که در چشمان آنان مستضعف هستند می آزماید!
 - ٢) عبادی را که در خویشتن مستکبر گشته‌اند، بوسیله دوستانی آزمایش می کند که در نظر آن مستکبران، مستضعف گشته‌اند!
 - ٣) بندگان خود را که در نزد خود مستکبر هستند، بوسیله دوستان خود که در نظر آن مستکبران مستضعف هستند، می آزماید!

- ٤) عباد مستکبر را که نزد خویش بزرگ و چشمگیر شده‌اند بوسیله دوستانی می آزماید که در چشمان آن مستکبران به استضعف کشیده شده‌اند!

- ٣- « فَمَا لَعِنَّيْكُمْ إِنْ قَلْتُ أَكْفُفُهُمْ!»:

- ١) چشمها یات را چه شده، چرا وقتی به آنها گفته می شود دست از اشک ریختن بردارید، می گریند، و قلب را چه شده که چون گفته می شود بیدار باش، حیران تر می گردد!
- ٢) چرا چون از دو چشم می خواهی که نگریند، شروع به اشک ریختن می کنند؛ و چون قلب را به هوشیاری دعوت می کنی، حیرت زده می گردد!
- ٣) چشمانت را چه شده که اگر بگویی از اشک باز ایستید؛ اشکشان جاری می شود؛ و قلب را چه شده که اگر بگویی هوشیار باش حیران می شود!

- ٤) چرا وقتی به دو چشم می گویی اشک نریزند، اشک می ریزند؛ و وقتی به قلب می گویی هوشیار باشد، سرگردان می شود!

٤- « و لَا تزدھي الْأجھالُ حِلْمِي، و لَا أُرَى سُوْلًا بِأعْقَابِ الْأَقْوَيْلِ أُنْمِلُ!»:

۱) حلم من نمی‌تواند رؤیاهای مرا زینت بخشد، و در خواب هم نمی‌بینم که از سخنان مردم پرس‌وحو نمایم!

۲) صبر و حلم من باعث زینت جاهلان نمی‌گردد، و من با سؤال خویش انگشت بر سخنان مردم نمی‌گذارم!

۳) کسی ندیده که نادانها برداری مرا از بین ببرند، و یا من همچون مورچگانی جستجوگر به دنبال حرفهای مردم باشم و نمایم کنم!

۴) جهالتها نمی‌توانند حلم مرا به سبک‌رفتاری بدل کنند، و دیده نمی‌شوم که به دنبال حرفهای مردم باشم و سخن چینی کنم!

٥- « لِيْسُ يُنْجِي الَّذِي يَوَالِي مَنَا رَأْسُ طَوْدٍ أَوْ حَرَّةً رَجْلَاءً!»:

۱) هرکس با ما دوستی کند به قلعه‌های رفیع شرف و آزادگی دست خواهد یافت آنگونه که کسی را بر او دسترسی نباشد!

۲) هیچ‌کس نیست که بتواند با واسطه دیگری غیر از ما به قله بلند کوه عزّت و زمینهای هموار شرف برسد!

۳) کسی که افراد هم‌پیمان ما را از قله‌های کوه و زمینهای سخت و ریگزار نجات دهد وجود ندارد!

۴) کسی را که از ما می‌گریزد، قله کوه یا زمین ریگزار وسیع هم او را نجات نمی‌دهد!

٦- « أَوْدَ لَوْ غَرَقْتَ فِي دَمِي إِلَى الْقَرَارِ / لَا حَمِلَ الْعَبْءَ مَعَ الْبَشَرِ / وَ أَبْعَثَ الْحَيَاةَ، إِنَّ مَوْتِي انتصَارٌ!»:

۱) آرزو دارم که غرق در خون شوم برای رسیدن به آرامش، تا سنگینی بار را همراه مردم به دوش کشم، و زندگی را دوباره آغاز کنم، چه مرگ شروع پیروزی است!

۲) دوست دارم که کاش غرق خون گردم تا به سکون برسم، و بار سنگین را همراه گروه مردم تحمل کنم، و زندگی را دگرگون سازم، که مرگ من برابر پیروزی است!

۳) دوست دارم کاش در مسیر حرکت بسوی آرامش در خون خود غرق شوم، تا این بار را همراه افراد بشر به دوش کشم، و به زندگی نشاط و جان تازه بخشم، که مرگ من پیروزی است!

۴) آرزو می‌کنم کاش در خون خویش غرق شوم بسوی وعده داده شده، تا این بار سنگین را تحمل کنم، و زندگی را دگرگون کنم، که مرگ همان پیروزی است!

٧- « إِنْتَخَبْتَ مِنْ جَيْشِهِ أَبْنَاءَ الْغَایَاتِ وَ آَسَادَ الْغَابَاتِ!». عَيْنَ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

۱) اصطافی من جماعت‌هه فئة ممن لم يكن آيساً و جباناً!

۲) قام بانتقاء صفوه من البطلة و أصحاب العمل!

۳) اختار بعضًا ممن كان من الأملين و الشجعان!

۴) بدأ يزور جيشه بأفراد خبراء كهول محنكين!

-٨ « تأثير زبان عربي در زبان و ادبیات فارسی محدود به دخول تعدادی کلمات عربي در این زبان نماند، بلکه بتدریج مقدار قابل توجهی از ترکیبات و تعبیرات و امثال عربي هم در زبان فارسی رایج شد!»:

١) لم يبق تأثير اللغة العربية في اللغة الفارسية و أدابها محدوداً بدخول عدد من الألفاظ العربية في هذه

اللغة، بل شاع تدريجياً كم لا يُستهان به من الترکیبات و التعبیر و الأمثال العربية في اللغة الفارسية!

٢) إنَّ تأثير اللغة العربية على الأدب الفارسي و محاورتها لم يبق محدوداً بورود بعض الكلمات العربية في

هذه اللغة، بل راج تدريجياً كم يلفت النظر من ترکیبات و تعبیرات و أمثال عربية في هذه اللغة!

٣) ما بقي أثر اللغة العربية في الأدب الفارسي و لسان التکلم ممحصراً بظهور بعض المفردات العربية

داخل اللغة الفارسية، بل تدرج قسم ملحوظ في هذه اللغة من التراكيب و التعبيرات و أمثالها!

٤) أثر اللغة العربية في اللغة الفارسية و أدابها ما بقي محدوداً بإدخال قسم لا يأس به من مفردات

عربیة في اللغة الفارسية، بل تدرجًا شاع فيه من تراكيب و أمثال و حكم!

-٩ « در سال ۱۴ بعثت، پیامبر اکرم و مسلمانان که مکه را محیطی نامساعد برای ادامه حضور خویش می‌دیدند، یترب را جایی امن یافتند و به آن شهر هجرت کردند، و بدین ترتیب اسلام وارد مرحله جدیدی از توسعه خود شد!»:

١) في السنة الرابعة عشرة منبعثة رأى النبيّ الأعظم و المسلمين أنَّ مكَّةَ تشكّل وسطاً غير مناسب لاستمرار حضورهم فيها وأنَّ يترب تمثل مكاناً آمناً لهم فهاجروا إلى هذه المدينة، و هكذا دخل الإسلام مرحلة جديدة من توسعه!

٢) في السنة الرابعة عشرة منبعثة وجد النبيّ الأكرم و المسلمين الذين كانوا يرون في مكَّةَ وسطاً غير ملائم لاستمرار تواجدهم، أنَّ يترب تمثل مكاناً آمناً لهم فهاجروا إليها، و هكذا دخل الإسلام مرحلة جديدة من انتشاره!

٣) في العام الرابع عشر منبعثة تبيّن للنبيّ الأعظم و لمن أسلم معه و هم وجدوا وسطاً غير مناسب لإدامه بقائهم فيها وأنَّ يترب تمثل مكاناً مأموناً لهم فهاجروا إليها، و بهذا الترتيب بدأ الإسلام مرحلة حديثة من توسعه!

٤) في عام الرابع عشر منبعثة واجه النبيّ الأكرم و الذين أسلموا أنَّ مكَّةَ ليست مكاناً ملائماً لاستمرار حضورهم، فقاموا بالهجرة إلى مدينة يترب، و بهذا الترتيب شرع الإسلام مرحلة حديثة من انتشاره!

- ١٠ - « صندوق بین‌المللی پول پیش از آنکه با اعطای وام به کشورهایی که سخت نیازمند آن هستند موافقت کند، شرطهای اهانت‌آمیزی را برای آنها می‌گذارد! »
- ١) صندوق النقد الدولي یفرض علی الدول شروطًا مهینة قبل الموافقة على منحها قروضاً تحتاج إليها بشكل ضاغط!
 - ٢) یفرض صندوق العملة الدولية على الدول شروطًا هينة قبل موافقته على إعطاء القروض التي تحتاج إليها بشدة!
 - ٣) يحمل صندوق العملة الدولية الدول شروطًا مستهينة قبل أن يوافق على إعطاء الديون التي بحاجة ماسة إليها!
 - ٤) الصندوق الدولي للنقد يجعل للدول التي تحتاج إلى قروض شروطًا مهينة قبل الموافقة على ذلك الأمر!

■ ■ عين المناسب في الجواب عن الإعراب والتّحليل الصرفي (١١-١٥)

- ١١ - « قلنا يا آدم أُسْكِنْتُ و زوجك الجنة و كُلُّاً مِنْهَا رَغْدًا حِيثُ شَنَّتَمَا ». عين الخطأ:
- ١) آدم: اسم تفضيل و من نوع من الصرف؛ زوج: معطوف و مرفوع بالتبعية للمعطوف عليه ضمير أنت « البارز »
 - ٢) أُسْكِنْ: فعل و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنت »؛ و « أنت » البارز مؤكّد لفظي و مرفوع محلّاً بالتبعية
 - ٣) حِيثُ: ظرف أو مفعول فيه للمكان و متعلقه فعل « كلاً »، أو بدل من الجنّة و منصوب محلّاً بالتبعية؛ شَنَّتَما: جملة فعلية و مضارف إليه و مجرور محلّاً
 - ٤) كُلُّاً: فعل أمر و مهمور الفاء و مبني على حذف نون الإعراب؛ رَغْدًا: صفة لمصدر محذف تقديره « أَكَلَّا رَغْدًا » أو مصدر في موضع الحال تقديره « مستطيبين متهئّنين »
- ١٢ - « فَإِنْ أَكُّ قد أُوتِيتُ مَالًا فَلَمْ أَكُنْ بِهِ بَطِرًا، فَلَحَالٌ قَدْ يَتَحَوَّلُ! ». عين الخطأ:
- ١) أُوتِيتُ: فعل ماضٍ من باب إفعال، مبني للمفعول أو للمجهول، نائب فاعله الضمير البارز، و « مالًا » مفعول به ثانٍ
 - ٢) أَكُّ: فعل شرط و مجزوم بحذف النون (أصله: أَكُنْ)، ومن الأفعال الناقصة اسمه ضمير « أنا » المستتر فيه وجوباً
 - ٣) أَكُنْ: مضارع للمتكلّم وحده، معتل و أجوف و قد حذفت حرف العلة لرفع التقاء الساكنين، وكذلك يجوز حذف لام الفعل
 - ٤) يَتَحَوَّلُ: مضارع من باب تفعّل، فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، و الجملة فعلية و خبر و الرابط الضمير المستتر، و « قد » حرف للتقليل أو التوقع

١٣ - «رُبَّه فتية دعوتُ إلى ما يورث المجدَ دائِبًا، فأجابوا!». عين الخطأ:

١) رب: حرف جر شبيه بالزاد، رب: جار و مجرور و متعلقهما ممحظف؛ فتية: تمييز و منصوب

٢) دعوت: فعل ماضٍ للمتكلّم وحده، فاعله الضمير البارز، و الجملة فعلية و خبر للمبتدأ ضمير الهاء

في «ربه»

٣) يورث: مضارع من باب إفعال، معتل و مثال، فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، و الجملة فعلية

و صلة للموصول «ما»

٤) أجابوا: ماضٍ من باب إفعال، معتل و أجوف و له الإعلال بالقلب، مبني على الضم، فاعله ضمير

الواو البارز، و الجملة فعلية

٤-١ - «يا أيها الراكب المزجى مطية» سائل بنى أسد: ما هذه الصوت؟!. عين الخطأ:

١) بنى: جمع سالم للمذكر بالإلحاد و منصوب بالياء على أنه مفعول به للفعل «سائل»، و «أسد» مضاف إليه

٢) الراكب: اسم فاعل (مصدره: ركوب)، و نعت و مبني على الضم بالتبغية للمنعوت «أي» النكرة

المقصودة

٣) مطية: صفة مشبهة يستوي فيها المذكر و المؤنث، و التاء للنقل، و نائب فاعل لشبه الفعل «المزجى»

٤) الصوت: اسم مذكر، مؤول بالتأنيث مریداً به «الضجة أو الصرخات» من باب المؤنث التأويلى

٥-١ - «إن مُتْ في هواها، دَعْنِي أَمْتْ فِدَاهَا يا عاذلي ثناها، ذَرْنِي وَ مَا أَلْقَى!». عين الخطأ:

١) أمت: مضارع، معتل و أجوف، جواب طلب و مجزوم على أنه جواب لشرط ممحظف، عالمة جزمه حذف حرف العلة

٢) ما: موصول عام و مفعول معه، و «اللقي» مضارع من باب مفاعة و الجملة فعلية صلة و عائدتها ممحظف تقديره «اللقيه»

٣) دع: فعل أمر من مجرد ثلاثي، معتل و مثال (له إعلال الحذف)، و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت» و الجملة فعلية و طلبية

٤) عاذل: مشتق و اسم فاعل، منادى مضاف و منصوب بفتحة مقدرة، و الياء في محل نصب على أنها مفعول به لشبه الفعل «عاذل»، و «ثنا» مفعول به ثان أو منصوب بنزع الخافض

■ ■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٦-٣٠)

٦ - عين نوع الإعلال في «تنسي» للمخاطبة و للمخاطبات:

٢) بدون إعلال / بالحذف

١) بالقلب فقط / بالإسكان

٤) بالقلب والحذف / بدون إعلال

٣) بالحذف / بالإسكان فقط

١٧- عین الخطأ عن الجمع المكسر:

- ١) ظُفر ← أظفار (قلة) ← جمع الجمع و منتهي الجموع) / حلية ← حلية (كثرة)
- ٢) ضلع ← أضلع (قلة) ← أضالع (قلة و جمع الجمع) / أنملة ← أنامل (جمع الجمع)
- ٣) قطعة ← قطع (كثرة) / سفرجل ← سفارج (منتهي الجموع)
- ٤) إكليل ← أكاليل (منتهي الجموع) / صورة ← صور (كثرة)

١٨- عین الخطأ عن دخول نون التوكيد على الأفعال:

- ١) يا رجال، هل تنهون عن خلق و تأتن بمثله!
- ٢) فيَنْ بعهدك حيثُما عاهدتَ امرأً!
- ٣) ألا ليت الغافلات يخرجن عن طريق الغيّ!
- ٤) و الله لسوف أخدمنك برغبة!

١٩- عین الخطأ (في القسم):

- ١) أقسم و الله لاؤدب المُذَبِّر عن الحق!
- ٢) و الذي بعثه بالحق لتبليبن بلبلة!
- ٣) أقسم بالله من غررتموه فهو مغرور!
- ٤) تالله أصبحت لا أصدق قولكم!

٢٠- عین ما لا يجوز فيه حذف العائد:

- ١) جاء الذي أنا صاحبه!
- ٢) فاقض ما أنت قاضيه!
- ٣) جاء الذي أنا أخوه!
- ٤) و يشرب مما تشربون منه!

٢١- عین ما فيه شبه فعل عامل في المرفوع ظاهراً:

- ١) إن عصيان العالم النصائح، يورث لنا الندامة!

٢) إن الطلبة المختلفة آراؤهم يدرسون في جامعة واحدة!

٣) الاجتماع و الثبات في كل شيء ناصر الإنسان و لو خطأ!

٤) أنتم الطالب أكثر الناس تأثيراً على حركة العلم في المجتمع!

٢٢- عین الصحيح بعد دخول «كان» على الآية الشريفة (هو الله أحد) مراعياً بناءها:

- ١) كان هو الله أحداً! ٢) كان الله أحداً!
- ٣) كان الله أحداً! ٤) كان الله أحداً!

٢٣- عین الصحيح:

- ١) ما الأحرار ممقوتين لكن مكرّمين!
- ٢) ما الخيرين إلا مثابين على عملهم!
- ٣) ما المنافق فائزًا و لا مرثاحاً!
- ٤) ما المتكاسل ناجحاً بل خاسراً!

٢٤- عین الجواب الذي يكون «عسى» فيه من أفعال المقاربة فقط:

- ١) عسى أن ينجح الطالب في الامتحان!
- ٢) «عسى أن يبعثك ربك مقاماً ممدوّناً»
- ٣) عسى أن ينجح في الامتحان الطالب!

٢٥- عین الخطأ (في باب التحذير):

- ١) الملقب للئيم، و إياك أن تتذلل له!
- ٢) الممات الممات، و إياك من لقائه بلا عدّة!
- ٣) نفسكم والانهماك في الملاذات و إياكم والإفراط فيها!
- ٤) الإهمال الإهمال، و إياك تتكاسل في القيام بواجباتك!

٢٦ - عین الخطأ (في باب التنازع):

- (٢) يأتون و يسلم عليك الضيوف!
 (٤) يأتي و يسلّمون عليك الضيوف!

- (١) رغبت عنهم وأكرمني الوالدان!
 (٣) أكرمني و رغبت عنهم الوالدان!

٢٧ - عين الخطأ (في التعجب):

- (٢) ما أجمل ما كان طلوع البدر في الليل!
 (٤) ما كان أطيب عند الأسحار هبوب النسيم!

- (١) ما يكون أحسن البدر طالعا!
 (٣) ما أحسن ما يكون البدر طالعا!

٢٨ - «دخلت القاعة و الطلبة جالسون على كراسיהם!». عين الخطأ عما أشير إليه بخط:

- (١) الجملة حالية و مؤولة بالقول «متاخرا»!
 (٢) الجملة في محل نصب و الواو قبلها رابط!
 (٣) الجملة حالية و في محل نصب، و رابطها ضمير «هم» المتصل!
 (٤) الجملة من الأحوال التي حكمها حكم الظرف، فعرّفت الجملة نفسها عن الضمير الرابط!

٢٩ - «ينجح الطلبة في الامتحان و لاسيما ... منهم!». عين الخطأ للفراغ:

- (١) المجتهدين (٢) هو المجتهد (٣) الذي يجتهد (٤) المجتهدون

٣٠ - عين الخطأ في إعراب تابع المنادى:

- (١) «يا جبال أوجبي معه و الطير»
 (٢) يا جنود أجمعون!
 (٤) يا تلاميذ كلّكم!

■ ■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٣١-٤٠)

٣١ - عين الخطأ في دواعي تعريف المسند إليه:

- (١) «فذلكن الذي لمتنني فيه» عرف المسند إليه باسم الإشارة لإظهار الاستغراب!
 (٢) «و جاء السحررة فرعون» عرف المسند إليه بأسم الجنسية للإشارة إلى كل الأفراد مقيدا!
 (٣) «أهلك الناس الدرهم والدينار» عرف المسند إليه بأسم الجنسية للإشارة إلى الحقيقة في ضمن فرد منهم!
 (٤) «إن الذين يستكرون عن عبادي سيدخلون جهنم داخرين» عرف المسند إليه بالموصولية للإشارة إلى الوجه الذي يبني عليه الخبر!

٣٢ - «أنشا يُمزق أثوابي يؤدبني أ بعد شيببي عندي يبتغي الأدب». عين الخطأ:

- (١) قدم الظرف و هو «بعد» في المครع الثاني لأنّه محط الإنكار!
 (٢) شبه كمال الاتصال بين جملتي «أنشا» و «يؤدبني»!
 (٣) الإطناب بالتنزييل و ليس فيه توسيع!
 (٤) الاستفهام فيه للتوضيح!

٣٣- عین الخطأ في التقديم:

- ١) «فَلَمَّا يَتَبَيَّنَ فَلَاقَهُمْ قَدْمَ الْمَفْعُولِ بِهِ لِلتَّخْصِيصِ!»
- ٢) «يَدُ الْمَعْرُوفِ غُنْمٌ حِيثُ كَانَتْ» تَقْدِيمُ الْمَسْنَدِ إِلَيْهِ لَمْ يَكُنْ لِدَاعٍ دَلَالٍ!
- ٣) «مَا كُلَّ مَا يَتَمَنَّى الْمَرءُ يَدْرِكُهُ» تَقْدِيمُ النَّفْيِ عَلَى الْعِوْمَةِ يَفِيدُ نَفْيَ الشَّمْوَلِ!
- ٤) «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مَسْتَقْرٌ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» قَدْمَ الْمَسْنَدِ لِلتَّبْيَهِ مِنْ أَوَّلِ الْأَمْرِ عَلَى أَنَّهُ خَبْرٌ لَا نَعْتَ!

٣٤- عین الخطأ: إذا قلت:

- ١) «مَا أَنَا فَعَلْتُ»؛ كُنْتَ نَفَيْتَ عَنْكَ فَعْلًا ثَبَّتَ أَنَّهُ مَفْعُولٌ!
- ٢) «مَا فَعَلْتُ»؛ كُنْتَ نَفَيْتَ عَنْكَ فَعْلًا لَمْ يَثْبُتْ أَنَّهُ مَفْعُولٌ!
- ٣) «مَا أَنَا رَأَيْتُ إِلَّا زِيدًا»؛ هَذَا الْكَلَامُ فَصِيحٌ، وَكُنْتَ قَدْ نَفَيْتَ أَنْ تَكُونَ رَأْيًا زِيدًا!
- ٤) «مَا أَنَا رَأَيْتُ أَحَدًا فِي الْبَلَادِ»؛ كُنْتَ نَفَيْتَ أَنْ تَكُونَ رَأْيًا وَ«أَحَدًا» مَرْئِيًّا وَهَذِهِ الْجَملَةُ غَيْرُ فَصِيحَةٍ!

٣٥- عین الصحيح لإكمال الفراغات في النص التالي:

«وَأَمَّا دُخُولُ «لَوْ» عَلَى الْمَضَارِعِ فِي نَحْوِ قَوْلِهِ تَعَالَى «لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعِنْتُمْ» فَلِقَصْدِ الْفَعْلِ فِيمَا مَضَى وَقْتًا فَوْقَتًا، كَمَا فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» فَإِنَّ «يَسْتَهْزِئُ» يَفِيدُ الْاسْتَهْزَاءِ وَتَجَدَّدُهُ وَقْتًا بَعْدَ وَقْتٍ، وَدُخُولُ «لَوْ» عَلَى الْمَضَارِعِ فِي نَحْوِ «وَلَوْ تَرِى إِذْ وَقْفُوا عَلَى النَّارِ» فَإِنَّمَا هُوَ لِ.....».

١) تقرير - ثبوت - تفظيع المضارع

٢) استمرار - ثبوت - تهويل صورة المضارع

٣) استمرار - حدوث - تنزيل المضارع منزلة الماضي

٤) تقرير - حدوث - تنزيل المضارع منزلة المستقبل

٣٦- قال الله تعالى «فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسْدًا لَهُ خَوارٌ» عین الصحيح: في الآية

- ١) استعارة و طرفاها حسيّة و الجامع عقلي
- ٢) استعارة و طرفاها عقلية و الجامع عقلي
- ٣) تشبيه و طرفاها حسيّة و الوجه حسيّ
- ٤) تشبيه و طرفاها عقلية و الوجه عقلي

٣٧- عین الصحيح في غرض التشبيه:

على الماء خانته فروج الأصابع! (مقدار حال المشبه)
تحت الدُّجَى نار الفريق حُلوًا! (تقرير حال المشبه به)
توهّمته بابا من النار يُفتح! (إمكان حال المشبه)
كما علا برسول الله عدنان! (إمكان المشبه)

١) أصبحت من ليلى الغداة كقباضٍ

٢) ما قُوْبَلَتْ عِيَاهُ إِلَّا ظَنَّتْ

٣) و تفتح - لا كانت - فما لو رأيتَه

٤) و كم أبِ قد علا بابن ذُرا شَرَفٍ

٣٨- عین العلاقة باعتبار «ما يكون» في الجملات التالية:

- ١) لاتكن أذناً تتقبل كلَّ وشایة!
- ٢) من قتل قتيلاً فله سبله!
- ٤) سقط الدُّلُو الأرض!

١) في رحمة الله هم فيها خالدون!

٣) في رحمة الله هم فيها خالدون!

- ٣٩ - عين المحسنة البدعية التي يخلو منها البيت التالي:
 «فضحت الحيا و البحر جودا فقد بكى الـ..... حيا من حياء منك و التطم البحر»
 ١) المبالغة ٢) التقسيم
 ٣) المشاكلاة ٤) حسن التعليل
- ٤٠ - عين الصحيح في نوع القافية في البيت التالي:
 «بانت سعاد فقلبي اليوم متبول مُتَبَّلٌ إثراها لم يفَد مكبول»
 ١) مجردة مطلقة ٢) مرفدة مطلقة
 ٣) مؤسسة مرفدة ٤) مردفة مقيدة

■ ■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤١ - ٧٠)

- ٤١ - عين الصحيح في تقسيم الأدب من ناحية أصلية لغته:
 ١) أدب قديم، أدب مخضرم، أدب مولد، أدب محدث
 ٢) أدب قديم، أدب إسلامي، أدب عباسى، أدب نهضة
 ٣) أدب جاهلى، أدب إسلامي، أدب أموى، أدب عباسى
 ٤) أدب جاهلى، أدب مخضرم، أدب إسلامي، أدب عباسى
- ٤٢ - عين الصحيح في خصائص الشعر الجاهلى:
 ١) ينم عن عمق التفكير و الخيال و م坦انة في السبك و سلاسة و موسيقى في التعبير!
 ٢) يتتصف بدقة الوصف و استكمال الصورة الحسية و التفكير الذي يخلو من التحليل!
 ٣) أكثره مقطوعات غارقة في الخيال غابت عليه النظرة التحليلية و اتصف بجمال النغم و موسيقاها!
 ٤) أكثره مقطوعات و أبيات، غابت عليه النزعة الانفرادية الفبلية و المادوية و الواقعية فضاق نطاق خياله!
- ٤٣ - عين الصحيح للفراغ: «..... حينما يهجو يدخل مع المهجوين في جدل منطقي يرد به على الحجج التي في وسعهم أن يتذرعوا بها كما فعل في هجائه لآل حصن بالبيت الشهير الذي سمى لأجله قاضي الشعراء»
 ١) زهير بن أبي سلمى
 ٢) النابغة الذبياني
 ٣) طرفة بن العبد
 ٤) عمرو بن كلثوم
- ٤٤ - عين الصحيح:
 ١) أقدم شعر وصل إلينا هو المعلقات السبع!
 ٢) نظم الشاعر الجاهلي أكثر شعره على أوزان قصيرة التفاعيل!
 ٣) من أهم شعراء المدرسة الأولى في الجاهلية: النابغة و زهير و الحطيئة!
 ٤) عدي بن زيد كان يمثل النموذج الواضح الكامل للصلة في الجاهلية لذلك سمى بعروة الصعاليك!

٤- عین الخطأ:

- ١) في النّقائض ينظم الشاعر قصيدة في الفخر بقبيلته و هجاء خصومها فيُرد عليه بقصيدة على وزن قصيده و رويها!
- ٢) النقائض مناظرات شعرية قامت على غرار المناظرات العقلية و امترجت بسخرية لاذعة بالقبيلة!
- ٣) إنّ النقائض هي أهانة بالمعنى القديم الذي كان يفهمه العرب في الجاهلية للهجاء!
- ٤) العصبيات القبلية أدت إلى اشتعال نيران الهجاء بين القبائل و تحول شعر الهجاء إلى نقائض!
- ٤- عين الصحيح للفrag: «إن..... رأس المذهب الشامي إلا أنه لم يذكر مع أبي تمام إلا مجازاً و هو الذي شهد جده الأعلى مؤته (٨ هـ . ق) ومعظم رثائه في آل البيت!
- ١) الکمیت
٢) دیک الجن الحنصی
٣) کثیر عزة
- ٤- عین الصحيح عن مؤلفي هذه الكتب على التوالي: «مجازات الآثار النبوية، درة الغواص في أوهام الخواص، الأوراق»
- ١) الشريف الرضا - الحريري - أبي قتيبة
٢) الشريف الرضا - الحافظ - الصولي
٣) الشريف الرضا - الحافظ - الصولي
- ٤- عین الصحيح عن هؤلاء الكتاب:
- ١) جمع الثعالبي في بيته الدّهر أخبار الشعراء و الكتاب و علماء عصره!
٢) صنف ابن قتيبة كتاب الشعر و الشعراء و كان يحب الجاحظ و يتبعه في أسلوبه!
٣) كان أبو العباس من أعلام رجال العلم و الأدب و ممثلاً لمذهب الكوفة في النحو و أشهر آثاره كتاب «الكامل»!
٤) يُعرف أبو بكر بالشطرنجي لمهاراته بلعبة الشطرنج و كان من أكابر علماء الأدب، و من مؤلفاته كتاب «أخبار أبي تمام»!
- ٤- عین الصحيح للفrag: «إن..... هو الأديب الذي تجلّى في مؤلفاته آثار الفلسفة اليونانية و الحكمة الهندية و الفارسية!»
- ١) الجاحظ
٢) ابن المقفع
٣) ابن العميد
٤) سهل بن هارون
- ٥- عین الصحيح: «من أصحاب المنهج الكلامي في النقد العربي القديم»
- ١) ابن بشر الآمدي
٢) قدامة بن جعفر
٣) ابن قتيبة الدينوري
٤) ابن سلام الجمحى
- ٥- عین الخطأ عن العصر المملوكي:
- ١) إنّ من الظلم أن نواخذ أدباء العصر بمنطق عصر آخر دون رعاية لظروفه ثم نؤنبهم!
٢) هذه الفترة مظلومة إذ سميت تسمية فيها قليل من الصواب و كثير من الخطأ و الباطل!
٣) ربما لم نجد عصرًا من عصور تاريخ الأدب أكثر منه فراغاً من روائع الشعر!
٤) إنّ هذا العصر حفظ كنوز حضارتنا العربية لغويًا و أدبيًا و فكريًا!

٥٢ - عين الخطأ عن مجالات البحث في الأدب المقارن وفق المفهوم التقليدي (الفرنسي):

١) دراسة الألفاظ الدخلية في أدب شعب ما!

٢) دراسة المدارس و التيارات الأدبية بين مختلف الشعوب!

٣) دراسة التأثيرات و التأثرات و الموضوعات والنمذج الإنسانية بين الأداب المختلفة!

٤) دراسة الأجناس الأدبية و تطورها و دراسة أدب الرحلات لمعرفة صورة شعب من الشعوب!

٥٣ - عين الصحيح: « مما لم تكن من الفتواف و المعابر الأساسية التي عبرت عليها الحضارة الإسلامية في طريقها إلى أوروبا يمكن الإشارة إلى»

٢) جزيرة صقلية و الأندلس!

٤) التجار و تصدير الأمة!

١) الحروب الصليبية!

٣) الأتراك العثمانيين!

٤ - عين الخطأ:

١) حكايات « كلستان » لسعدي الشيرازي تمثل المقامات العربية و تعتبر تقليداً لها!

٢) أحد مصادر ثقافة الشعوب هي القصة التي نشأت في العربية موجهة إلى التسلية الشعبية!

٣) تأثر الشاعر و المفكّر الألماني الكبير « جيته » بالقرآن و الإسلام و بالأدبين الفارسي و العربي!

٤) أثرت حكايات كليلة و دمنة و ألف ليلة و ليلة و المقامات العربية في الأدب الأوروبي و دفعتها إلى محاكاتها!

٥٤ - عين الخطأ:

١) من جراء دراسة الأدب المقارن يجب أن تستشف سلوك الأمم و خلقياتها و ما فيها من المواقف لكل من أصحاب الثقافات!

٢) اختلاف اللغة بين الأداب المختلفة و إثبات العلاقات التاريخية شرط ضروريان لإجراء المقارنة بين الأداب القومية!

٣) الأدب المقارن يهدف إلى المقارنة و لا يهتم بالتشابهات و مواطن الخلاف بين الأداب!

٤) دراسة جذور العلاقات التاريخية بين الأمم من الاتجاهات المهمة في الدراسات المقارنة!

٥٥ - عين الخطأ عن المقامات:

١) لم يتتأثر حميدي في مقاماته بالمقامات الفارسية إلا من حيث الإطار و الشكل!

٢) المقدمة فن أدبي منثور و هي عرض لمهارات المؤلف اللغوية في قالب قصصي تغلب عليه روح الفكاهة!

٣) الجديد في المقامات هو القالب الذي يعرض فيه المؤلف ثروته اللغوية؛ فهي في باب التصانيف اللغوية أدخل!

٤) من مظاهر تأثير المقامات العربية في مقامات حميدي الفارسية هي الإكثار من السجع و العبارات العربية المتلاحقة و تقليد حميدي للجمل الفعلية العربية و للموضوعات!

٥٧- عين ما ليس من خصائص المدرسة الكلاسيكية:

- ٢) الوجهة التعليمية والأخلاقية
- ٤) الابتعاد عن اللغة العامية
- ١) شكليّة اللغة والاهتمام بصورتها
- ٣) الفردية وتضخمها

٥٨- عين ما ليس من عوامل ظهور المذهب الرومانسي العربي:

- ٢) الانتقادات التي وجهت إلى الواقعيين
- ٤) معاناة الجيل بعد الحرب العالمية الأولى
- ١) المجالات والصحف الداعية
- ٣) التجمعات الأدبية المجددة

٥٩- عين الصحيح للفراغ: «الوحدة العضوية للقصيدة هي من خصائص مدرسة في الشعر العربي المعاصر!»

- ٢) الديوان!
- ٤) المهرج!
- ١) أبواللو!
- ٣) الإحياء!

٦٠- عين ما لا يناسب بتاتاً عن الأسلوبية!

- ١) «التناص» و«الانزياح» لا يرتبطان بالأسلوبية بخلاف «الاختيار» و«الاستبدال»
- ٢) الدراسات الأسلوبية تتبنى أحياناً المنهج الإحصائي الذي يبتعد عن شعرية النص!
- ٣) إنَّ الأسلوبية هي دراسة الانحرافات اللغوية عمّا هو مألف في اللغة!
- ٤) إنَّ الأسلوبية وريث البلاغة وإنَّها بديل في عصر البدائل!

٦١- عين الصحيح عن منهج هؤلاء النقاد المعاصرين:

- ٢) شكري عياد: المنهج التفكيكي
- ٤) كمال أبوذيب: المنهج البنوي
- ١) لويس عوض: المنهج الاجتماعي
- ٣) عبدالله الغذامي: المنهج الشكلي

٦٢- عين الصحيح:

١) إنَّ العقاد في كتابه «ابن الرومي حياته من شعره» يجسد اتجاه التحليل الاجتماعي من خلال شرح أحداث حياة الشاعر وأحواله وعاداته من خلال شعره!

٢) يعتقد العقاد من مجموعة الأدباء المعاصرين أنَّ النقد الاجتماعي أحقَّ مدارس النقد للاتباع، فعليها أن تتخذه في أعمالنا الأدبية!

٣) من أهم سلبيات المنهج النفسي عدم إمكانية عقد علاقة سببية بين العامل النفسي من ناحية والإبداع ذاته من ناحية أخرى!

٤) النقد النفسي لا يستطيع أن يفسر لنا الفوارق بين مائة شاعر أو كاتب في مجتمع واحد بل في مجتمعات متباينة!

٦٣ - عين الصحيح عن المنهج النفسي:

١) في نظر رائد المنهج النفسي « فرويد» إن الدافع الجنسي هو الأساس في أعمال الإنسان حيث إنه واع به!

٢) « يونج» تلميذ فرويد على خلاف أستاذه يعتقد أن الدافع الرئيس في عمل الإنسان جمعي لا فردي!

٣) الناقد في هذا الاتجاه يركّز على فهم الأسباب الحقيقية التي دفعت المarten إلى إبداع أثره من البيئة والحوادث والأشخاص!

٤) الأديب في النقد النفسي يعتني بعالم يقع فيه النفس و هو عالم الأشياء و ما هو مؤثر في تكوين الواقع الخارجي!

٦٤ - عين الصحيح:

١) على أساس الاتجاه النفسي إن الفنان حين يقوم بحذف شيء أو ذكره بالإطناب في عمله يفطن إلى ذلك!

٢) الرؤية النرجسية من اتجاهات المنهج النفسي في عملية فهم النص حيث إن الفرد يغرق في حب الآخرين و شائئم!

٣) الهدف النهائي من تفسير التحليل النفسي للعمل الفني يمكن في تفسير ظاهرة العمل و الاهتمام بالصورة و الشكل أكثر من المعنى و الأسلوب!

٤) الفنان عند فرويد عصامي يلوذ بعالم الخيال حيث يجد هناك ما يعوّضه عن عدم إشباع رغباته فيحمي نفسه عن طريق أثره من الجنون!

٦٥ - عين الخطأ:

١) من بين المدارس الأدبية هي مدرسة « الرمزية» التي تعتمد على التعبير عن العناصر غير العاقلة في الشعور!

٢) إن القصاصين خاصة هم الذين أخذوا يرسمون شخصياتهم على أساس « تيار الوعي» فاستفادوا من نظرية فرويد!

٣) كان فرويد يعتقد أن الأدباء أدرى بأسرار النفس و اللاوعي؛ فعلى علماء النفس الإفاده من مكونات الأعمال الأدبية!

٤) النقد السيكولوجي الذي يركّز على المؤلف في عملية فهم النص قد تأثر كثيراً بمنحي فرويد في ما يتعلق بفهم الأثر الأدبي!

٦٦ - عين الخطأ:

١) على أساس المنهج التاريخي أبوالعلاء ثمرة من ثمرات عصره؛ قد عمل في إنصажها الزمان والمكان والبيئة!

٢) النقد التاريخي يندرج تحت المنظومة السياقية لأنّه يسلط الأضواء على جوانب لها علاقة بالعمل الأدبي!

٣) كان طه حسين وعقاد يؤكّدان كثيراً على ضرورة معرفة البيئة في نقد الشعر لكلّ أمة و جيل!

٤) المنهج التاريخي يفسح مجالاً مناسباً للعصرية الشخصية في إنتاج الآثار الأدبية و الفنية!

٦٧ - عين الصحيح:

١) في المنهج الأسطوري يكتفي الناقد بفهم الطقوس و المعتقدات و عادات المجتمعات البدائية و أثرها في توليد الأثر الفني!

٢) المنهج الأسطوري نشأ بين أحضان علوم ثلاثة: مدرسة التحليل النفسي، الدراسات الانثروبولوجية، الفلسفة الرمزية!

٣) إنّ الأساس الذي قام عليه المنهج الأسطوري يتمثل فيما عرف بـ «اللاشعور الفردي» الذي نادى به فرويد!

٤) المنهج الأسطوري من المناهج التي تتبنّى على المنهج السياقي!

٦٨ - عين الخطأ:

١) إنّ الشعر الجاهلي قد فاز بنصيب عظيم من الدراسات الأسلوبية بسبب انتشار الوثنية و عبادة الآلهة و اقتراحه من منابع الفطرة الأولى للعقلية العربية البدائية!

٢) إنّما الدراسات الأسطورية تدرس الخرافات لأنّها حكايات بطولية أبطالها في الغالب من البشر أو من الجنّ و ليس لها علاقة بالآلهة و المعتقدات الأولية!

٣) إنّ أبرز المأخذ الذي توخذ على المنهج الأسطوري هو أنّ نقدم لم يخل من الانطباعية التي يجب أن يكون النقد الموضوعي بمنجاة منها!

٤) من عيوب المنهج الأسطوري هو أنّ الحدود الفاصلة بين الفنّ و الأسطورة و بين الفنّ و الدين فيه تختفي!

٦٩ - عين الخطأ عن المنهج البنوي:

١) ليس من مهمّة هذا المنهج بيان جودة النصوص أو ردايتها ولكنّه يحاول كيفية تركيباتها و المعاني التي تتطوّي عليها عناصر النصّ في تألفها!

٢) البنوية طريقة وصفية في قراءة النصّ الأدبي تستند إلى خطوتين أساسيتين و هما التفكّيك و التركيب!

٣) إنّ البنوية التكوينية زاوجت بين الرؤيا الاجتماعية و بنية النص فأوجدت اتجاهًا نديًا جديًا!

٤) إنّ البنوية تبنّت القول بأنّ النصّ هو طفل المؤلّف و إنّه يعبر عن ذاته!

٧٠ - عین الخطأ:

- ١) في النقد الموضوعي يعتمد الناقد على المنطق و الحجج العقلية و يجتنب ما لم يكن له أُسّ!
- ٢) في النقد الذاتي يعتمد الأديب على مشاعر المخاطب و أحاسيسه فيحاول أن يتسلّب إلى ذوات الأشياء!
- ٣) نقد النص بحاجة إلى رؤية موضوعية مؤطرة، كما يحتاج إلى رؤية ذاتية تعتني بما يجيئ بصدر الناقد!
- ٤) في النقد الانطباعي يعني الناقد بالتجارب و الواقع التي رأها و عاش معها فإنه نقد تجريبي يعتمد على التجربة و الواقع!

■ ■ اقرأ النصوص التالية (الف - ب - ج - د - ه - و) ثم أجب عن الأسئلة (١٠٠-٧١) بما يناسب النص

الف (٧٤-٧١)

قال الله تعالى في كتابه المجيد في سورة محمد: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أطِيعُوا اللَّهَ وَ أطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ ماتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ، فَلَا تَهْنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنُ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَرْكِمَ أَعْمَالَكُمْ، إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعْبٌ وَ لَهُوَ، وَ إِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَقَوَّلُوْنَ يُؤْتَكُمْ أَجُورُكُمْ وَ لَا يُسَأَلُكُمْ أَمْوَالُكُمْ، إِنْ يَسْأَلُكُمُوهَا فَيُحَفِّكُمْ تَبَخْلُوا وَ يُخْرِجُ أَضْغَانَكُمْ ﴾

٧١ - عین الخطأ:

- ١) سبب عدم دفع الأموال و البخل فيه يعود إلى وجود نزعات الضعف و الإحفاء!
- ٢) التمتع بالأجور أمر قصدي؛ فإن لم نقصد و لم ننو شيئاً فلا أجر و لا ثواب!
- ٣) ربما هناك من يؤمن بالله و يتقيه لكنه يدخل في تسليم أمواله و إنفاقه كلها!
- ٤) إن الأمور الاعتباطية و ما يقوم به الإنسان تلقائياً لا تتمتع بأجر آخر!

٧٢ - عین الصحيح:

- ١) كما نفهم من الآية بعد دعوة العدو إلى السلم فلانقبله بل نرفضه!
- ٢) إذا كان الله معنا فإنه حينئذ لا يترُك من أعمالنا شيئاً!
- ٣) شرط إتيان أجوركم هو الإيمان بالله وحده فقط!
- ٤) إن ما نقوم به في هذه الدنيا يستنسخ فيبقى!

٧٣ - عین الخطأ:

- ١) من لم يعتقد بوحدانية الله فهذا يكفيه لئلا يكون من المغفوريين!
- ٢) من لم يعمل كما أمر الله و رسوله فإنه لم ي عمل شيئاً!
- ٣) فهم كلام الله و ما قام به الرسول من لوازم الإطاعة!
- ٤) إن الكافر الذي لا يصد عن سبيل الله فربما يُغفر!

٧٤- عین الصحيح:

- ١) أنت الأعلم = شما بتر هستيد!
- ٢) لن يترجم أعمالكم = کارهای شما را کم نخواهد کرد!
- ٣) إنما الحياة الدنيا لعب و لهو = بیشک زندگی دنیا لهو و لعب است!
- ٤) إن يسألكموها فيحكم تخلوا = اگر آن را از شما بخواهند و شما را مجبور کنند، بخل می‌ورزید!

ب- (٨٠-٧٥)

في نهج البلاغة قال الإمام (ع) في خطبة: و لقد كان في رسول الله ما يدلّ على مساوى الدنيا و عيوبها، إذ جاع فيها مع خاصته و زُويت عنه زخارفها مع عظيم زلفته. فلينظر ناظرٌ بعقله، أكرم الله محمداً بذلك أم أهانه! فإن قال: أهانه، فقد كذب - و الله العظيم - بالإفك العظيم، و إن قال أكرمه فليعلم أنَ الله قد أهان غيره حيث بسط الدنيا له و زواها عن أقرب الناس منه! فتأسَى متأسٌ بنبيه و اقتصرَ أثره و ولجَ مولجه و إلا فلا يأمنُ الهلكة.... و الله لقد رقعتْ مدرعتي هذه حتى استحييت من راقعها! و لقد قال لي قائل: ألا تَبَدِّلُها عنك؟ فقلت: أغربُ عنِي فعند الصباح يَحمدُ القومُ السُّرِّ!

٧٥- لماذا يقول الإمام إنَّ من اعتقاد أنَّ الله أهان محمداً فقد كذب؟

- ١) لأنَ الله لا يهين أحداً من خلقه، فكيف بدبنيه المختار!
- ٢) لأنَ الإهانة تعني الخطيئة؛ فسبحان الله من هذا!
- ٣) لأنَ الإهانة هي سوء الظن بالله الرحيم!
- ٤) لأنَ الاصطفاء والإهانة لا يجتمعان!

٧٦- عین الصحيح:

- ١) هناك من كان من أنصار الإمام لكنه لم يكن يعرف أسلوب حياته!
- ٢) إنَ رسول الله لم يقصد الحصول على الدنيا و ما فيها من النعم!
- ٣) إنَ النعم و فقدمها هي آلة مسبارية في تمييز الطالح و الصالح!
- ٤) كان الإمام يستحيي من المرفع إذا يدفع إليه لباسه ليرقعه!

٧٧- لماذا يرفع الإمام لباسه؟

- ١) من صارع الشدائـد فالنصر حليفه!
- ٢) بسبب الاستحياء ممـن يرـقـعـه!
- ٣) لأنَ النبيـ كان يفعل نفس الشيء!
- ٤) لأنَـ النبيـ كان يحبـ العـسـرةـ وـ التـعبـ!

٧٨- عین الخطأ:

- ١) من غرق في النعمـاتـ فـلاـيـعنيـ أنـ أـبـوابـ الرـحـمةـ قدـ فـتـحتـ لـهـ عـلـىـ مـصـراـعـيهـ لـزـومـاـ!
- ٢) إنَ مـكـروـهـاتـ الدـنـيـاـ وـ نـوـاقـصـهـ لـاـتـشـيرـ إـلـىـ مـكـانـةـ مـلـازـمـهـ وـ رـفـيقـهـ عـنـدـ اللهـ!
- ٣) إنَ عـيـوبـ الدـنـيـاـ وـ سـيـئـاتـهـ حـلـيفـةـ السـفـلـةـ وـ الـكـذـبـ!
- ٤) لمـ يـكـنـ رـسـولـ اللهـ وـحـيدـاـ فـيـ تـحـمـلـ التـرحـ وـ الـكـدـ!

- ٧٩ عين الخطأ في المستنبط من العبارة التالية: «عند الصباح يحمد القوم السرى!»

١) وقت اقتطاف الشّمرات الحاصلون يُعطون!

٢) حين تُرفع الحجب عن الأ بصار فإن السّاعين يكرمون!

٣) إن الساهرين في اليوم الموعود عزيزون و النائمون نادمون!

٤) قد يعي النائمون حين تطلع الشّمس فعندئذ يدركون ما ضاع منهم من الفرص!

- ٨٠ عين الصحيح:

٢) مع عظيم زلفته = مع رفعة منزلته!

١) لا تتبذها؟ = لا تذكرها؟

٤) اقتضى أثره = أخذ منه قصاصه!

٣) ولج مولجه = أدخل ما أدخله!

ج - (٨٤-٨١)

من نماذج صياغة المزاجات اللفظية عند الشاعر الجاهلي هي مايلي:

شَابِيبْ مَوْتْ أَسْبَلْتْ وَاسْتَهَلتْ

فجادت على الهمامز وسط بيوتهم

أو:

شَقَقْ بِصَدْرِهِ مَوْجَ الْمَنَابِيَا

أو:

للمرء أيام تُعَذَّ و قد رعت

أو:

و في الحرب العوان ولدت طفلاً

٤) مفاجأة الموت!

- ٨١ عين الصحيح: «شَابِيبْ المَوْتْ» توحى بـ

١) صاعقة الموت! ٢) شمولية الموت!

- ٨٢ عين الصحيح: «مَوْجَ الْمَنَابِيَا» يصور

١) سقوط الموت فوق الرؤوس!

٣) اتساع مدى الموت!

- ٨٣ عين الصحيح: «حَبَالْ الْمَنَابِيَا» توحى بـ

١) صلابة الموت و شدتها!

٣) انتشار الموت و تفوقه!

- ٨٤ عين الصحيح: «لَبَنَ الْمَعَامِعْ» يوحى بـ

١) براعة الشاعر في ساحة الحرب!

٣) علم الشاعر بفنون الحرب!

٣) تسلط الموت!

٢) طغيان الموت!

٤) شدة الموت!

٢) جلة الموت و تحايله!

٤) الوقوع في أسر الموت و عدم الفكاك منه!

٢) بسالة الشاعر في المعركة!

٤) طول اعتياد الشاعر الحرب!

(٨٥-٩٠)

أشد الشاعر الجاهلي الشنفرى أبياتاً؛ إليكم منها:

و فيهم من خاف القوى متعزل
سرى راغباً أو راهباً، وهو يعقل
مجدعة سقانها وهي بعيل
يطالعها في شأنه كيف يفعل
يظل به المكاء يعلو ويسلف
هدى الهوجل العسيف يهماء هوجل
خوطة ماري تغوار وتُفل

و في الأرض متأى للكريم عن الأذى
لعمرك ما بالأرض ضيق على امرئ
ولست بمهراف يعششى سوامه
ولا جبلاً أكهى مرب بعرسه
ولا خارق هيق كأن فؤاده
ولست بمحيار الظلام إذا انتحت
و أطوي على الخمس الحوايا، كما انطوت

٨٥- لماذا كان الإنسان الجاهلي يتبع الآخرين و يقوم بالرحلة؟ عين الخطأ:

- ١) إن سعة الأرض تدعو ساكنيها لأن يبقوا في مكان واحد!
- ٢) خوفاً من أذى كان يفضل لأن يبقى في مكان واحد!
- ٣) كان يحب السفر و التنقل من نقطة إلى أخرى!
- ٤) لأنه لم يكن يريد أن يتأنى من المبغضين!

٨٦- عين الخطأ: مما يشاهد بعض الأحيان في سلوكيات الإنسان الجاهلي هو

- ٢) قيام الرجال بقتل الخيوط!
- ٤) الاستشارة بالنساء في أمور البيت!

١) الهجرة!

٣) رعيقطيع ليلاً!

٨٧- عين الصحيح:

- ١) كان الجاهلي بعيداً عن التأمل و الحجة!
- ٢) لم يكن الشاعر يرغب في أن يقيم بيته!
- ٣) كان الشاعر يضع كيساً على ثدي الناقة حتى لا تتضرع صغارها منهما!
- ٤) كانت سفرة الجاهلي عن ميل و رغبة فقلما يرحل عن جبن و رهبة!

٨٨- عين الصحيح: الشاعر في الأبيات المذكورة

- ٢) يشجع الآخرين على الرحلة!
- ٤) يشكى مصائب حلّت به!

١) يفخر بنفسه!

٣) يمدح و يثني أقرانه!

٨٩- عن أيّة صفات لم يتكلّم الشاعر؟

- ١) القدرة و القوّة
- ٢) الصبر و التجدد
- ٣) الجود و الإنفاق
- ٤) الضعف و الخنوع

٩٠ - عين الخطأ في المراد مما يأتي:

- ١) لست بمحياي الظلام = في ظلمة الليل لا أضل طريقي فلا أكون فيها حائراً!
- ٢) أطوي على الخمس الحوايا = أتحمل الجوع و ألف و أشدّ أمعائي و أحشائي!
- ٣) لست بمهايف يعشى سوامه = لا أعطش وسط النهار فلست مجبراً أن أرعى قطعاني ليلاً!
- ٤) في الأرض منأى للكرم عن الأذى = من لم يرد أن يؤذى الآخرين فله منازل بعيدة في الأرض!

٩١-٩٣ هـ

قد أنسد الشاعر أبو فراس الأبيات التالية:

أَمَّا لِلَّهِ وَى نَهَىٰ عَلَيْكَ وَلَا أَمْرٌ
 وَلَكَنْ مَثَلِي لَا يُذَاعُ لَهُ سَرٌ
 وَأَذْلَلْتُ دُمَعًا مِنْ خَلَقَهُ الْكَبِيرُ
 إِذَا هِيَ أَذْكَرْهَا الصَّبَابَةُ وَالْفَدَرُ
 إِذَا مَتْ ظَمَانًا فَلَا نَزَلَ الْقَطَرُ

- ١) أراك عصي الدمع شيمتك الصبر
- ٢) بلى أنا مشتاق و عندي لوعة
- ٣) إذا الليل أضواني بسأط يد الهوى
- ٤) تكاد تضيء النار بين جوانحي
- ٥) معللتني بالوعد و الموت دونه

٩١ - عين الصحيح عن البيت الأول:

- ١) الدمع هو رمز للشاعر يدل على العذاب و البؤس أو اليأس و القنوط!
- ٢) يحرص الشاعر على أن يكشف عما قد يذله أو ينتقص من رجولته!
- ٣) شاعرنا هو أمرؤ سلبي النزعة، لا يؤمن بالكرامة الإنسانية و الإباء!
- ٤) الدمع الذي يشير إليه الشاعر هو الدمع الذي تتحدر شبابيه من المأقي!

٩٢ - عين الخطأ:

- ١) ظاهر المعنى في البيت الرابع غزلي و باطنه فخر بالذات!
- ٢) «الليل» في البيت الثالث يرمي إلى التكتم و إلى الحرث على الكرامة!
- ٣) في البيت الثاني يؤثر الشاعر الوصال على الحرمان فيعبر عن حرقة القلبية!
- ٤) الموت الذي يصرّح عنه الشاعر في البيت الخامس هو ما يسبب العذاب و الحرمان!

٩٣ - عين الصحيح: عبارة «أراك عصي الدمع» تدل على

- ١) الحرمان!
- ٢) الأنفة!
- ٣) القدرة!
- ٤) تأجّج الشوق!

(٩٤-١٠٠)

أنشد الشاعر المصري إبراهيم ناجي قصيدة باسم «الأطلال»؛ إليكم مقططفات منها:

كان صَرَحًا من خِيَالٍ فَهُوَ يُرى
وَارُوْعَنْي طَالِمًا الْدَمْعُ رُوِيَ
فِيهِ نُبُلٌ وَجَلالٌ وَحِيَاءٌ
ظَالِمُ الْحُسْنِ شَهِيْكُ الْكَبِيرِ
سَاهِمُ الطَّرْفِ كَأَحَلامِ الْمَسَاءِ
فَتَنَّةٌ تَمَّتْ سَنَاءً وَسَنَى
وَنَدِيمٌ قَدَمَ الْكَأسَ لَنَا
لِغَبَارِ آدَمَيْ مَسَّنَا
مَا بَأَيِّ دِينٍ خَلَقَتْ أَعْسَاءٌ

- ١) يَا فَؤَادِي رَحْمَمَ اللَّهُ الَّهُ وَيْ
- ٢) إِسْقَتِي وَاشْرَبْ عَلَى أَطْلَالِهِ
- ٣) أَيْنَ مِنْ عَيْنِي حَبِيبٌ سَاحِرٌ
- ٤) وَاثِقٌ الْخُطْوَةِ يَمْشِي مَلَكًا
- ٥) عَبِيقُ السَّاحِرِ كَأَنْفَاسِ الرَّبُّ
- ٦) أَيْنَ مِنْيَ مَجَانِسْ أَنْتَ بِهِ
- ٧) وَمِنْ الشَّوْقِ رَسْوَلٌ بَيْنَنَا
- ٨) وَسَاقَانَا فَانْفَضَّ نَا لَحْظَةً
- ٩) يَا حَبِيبِي كَلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءِ

٩٤- عَيْنُ الصَّحِيفَ: غَرْضُ الشَّاعِرِ مِنْ اسْتِدْعَاءِ الْمَاضِي بِكَلْمَةِ «الْأَطْلَالُ» هُوَ

- ١) اسْتِذْكَارُ مَا كَانَ لَهُ مِنْ حُبٍ!
- ٢) الْجُلوُسُ عَلَى بَقَايَا مَنْزِلِ الْحَبِيبِ!
- ٣) تَشْبِيهُ خَرَابِ مَنْزِلِهِ الَّذِي هَجَرَهُ أَهْلُهُ بِتَرْحالِ مَحْبُوبِتِهِ!
- ٤) تَذَكَّرُ مَا كَانَ لَهُ فِي هَذَا الْخَرَابِ الْبَلْقَعُ مِنْ ذَكْرِيَاتِ مَوْحِشَةٍ!

٩٥- عَيْنُ الْخَطَا:

- ١) يَطْلُبُ الشَّاعِرُ مِنْ هُوَاهُ أَنْ يَسْقِي عَلَى أَطْلَالِ مَحْبُوبِهِ!
- ٢) كَانَ الْهُوَى فِي الشَّاعِرِ قَوِيًّا جَدًّا لَكِنَّهُ تَدْعَى لِأَنَّ دُعَائِهِ لَمْ تَكُنْ فِي سَاحَةِ الْوَاقِعِ!
- ٣) الشَّاعِرُ يَسْقُطُ مَوْضِعًا تَرَاثِيًّا وَهُوَ الْأَطْلَالُ عَلَى مَوْضِعِ عَصْرِيِّ يَعِيشُ فِيهِ وَهُوَ هُوَاهُ!
- ٤) يَخَاطِبُ الشَّاعِرُ مَا هُوَ بَدِيلٌ عَصْرِيٌّ بَدِيلٌ مَخَاطِبَةُ الشَّاعِرِ الْقَدِيمِ لِلصَّاحِبِيْنَ أَوِ السَّاقِيِّ أَوِ ...!

٩٦- بَمْ لَمْ يَوْصِفْ حَبِيبَ الشَّاعِرِ!

- ١) فَاتِنَ
- ٢) مَنْفَضٌ
- ٣) ظَالِمٌ
- ٤) شَرِيفٌ

٩٧- عَيْنُ الْخَطَا:

- ١) يَعْتَقِدُ الشَّاعِرُ أَنَّ رَائِحَةَ فَمِهِ عَطْرَةَ مَثُلِّ نِسَائِ الصَّحَارِيِّ!
- ٢) إِنَّ الْعَقْلَ رَبِّمَا لَا يُدْرِكُ مَدِيَّ مَا تَحْمِلُ الشَّاعِرُ مِنْ حَزْنٍ وَكَآبَةٍ فَلَهُذَا لَا يَخَاطِبُهُ فِي هَذِهِ الْأَبِيَاتِ!
- ٣) إِنَّ النَّدِيمَ عَلَى خَلَافِ مَا يَجْرِي فِي مَجَالِسِ الْأَنْسِ الَّذِي يَسْأَمِرُ وَيَشْرُبُ، هُنَا يَسْقِي وَيَشْرُبُ!
- ٤) قَدْ ظَهَرَتْ فِي هَذِهِ الْأَبِيَاتِ الْوَحْدَةُ الْمَوْضُوعِيَّةُ وَلَذِكْ نَعْتَقِدُ أَنَّ عَنْوَانَ الْقَصِيدَةِ يَعْبُرُ عَنْ مَوْضِعِهَا!

٩٨ - عين الخطأ:

- ١) في البيت الثاني يخاطب الشاعر قلبه و يطلب منه أن يحكى ما نزل عليه من المأسى و الشدائى!
- ٢) إن الشاعر يعتقد أنه لم يكن مسبباً عما جرى في حياته و ما رأى و سمع من الآخرين!
- ٣) في البيت الرابع كبر المحبوب عند الشاعر كان حلواً فلم يجعل فيه ما يوحى استياءً!
- ٤) في هذا الحوار يشتكى الشاعر من ظلم حبيبته فيصفها بما يظهر سلبياتها!

٩٩ - عين الأنساب لشرح البيت السادس:

- ١) أين راح ذلك المجلس الذي كان يضمنا و أنت كنت فيه فانتاً كاملاً ضوءاً و بهاءً!
- ٢) لا أليق بحضور مجلس كنت أنت فيه و تلك فتنة مستوعبة ضمت الجميع تلاؤاً و شرفًا!
- ٣) أين ذلك المجلس الذي كنت أنت فيه؛ فهذا ما يفتنني و يغربني حين يتم نوره و يرتفع و يصبح قمراً كاملاً!
- ٤) لست أهلاً لأنتحق بمجلس أنت أحد أعضائه فهذه فتنة يُكمل ضوؤها و شأنها حين تساهم فيه و يكتمل الحضور بوجودك!

١٠٠ - عين البيت الذي يتكلم الشاعر أنه أصبح فجأة واعياً بما يحويه و يحيطه:

- ١) البيت السادس
- ٢) البيت الثامن
- ٣) البيت الرابع
- ٤) البيت الخامس



